

به بهانه انتشار دفتر اول و دوم

مجموعه نقد ادبیات

کندوکا و منتقد در مسیر «نقد مجموعه‌ای»

● رامین سمودی

این جریان آگه شوی، آن همه شور و شعف را پُر بی‌براه نخواهی یافت. انتشارات فرهنگ کاوش در گام نخست این حرکت، دفتر اول و دوم نقد ادبیات؛ را به نقد و بررسی آثار پانولوکوتیلو و ژوزه ساراماگو اختصاص داده است. این دو دفتر که با عنوان خادوگر سرزمین سامبا و انسان‌گرایی تمام‌عیار به بازار کتاب عرضه شده است، شامل مجموعه‌ای از نقدهای «شهبلا زرلکی» نویسنده و منتقد مطبوعات است که تعدادی از مطرح‌ترین آثار پانولوکوتیلو و ساراماگو را مورد بررسی قرار می‌دهند. جدا از جنبه‌های شکلی و بیرونی کار که مجموع کردن نقد آثار یک نویسنده در یک دفتر را چابانه‌ای خودبخودی بختیده است، پیوستگی درونمایه‌ای نقدها از جهت شانه‌شناسی مؤلفه‌ها و تحلیل دیدگاه‌های نویسنده چشم‌انداز گسترده‌تری ر پیش روی مخاطب می‌گشاید و بهانه‌های ارتباطی محکم‌تری با پیام جوهری اثر پدید می‌آورد. اما نکته قابل تأمل و چه بسا ارزشمندترین وجه نقد مجموعه‌ای، کشف ویژگی‌های مؤلفه‌ای و تکرار شونده در آثار یک نویسنده است که غالباً در بررسی مجزا و محدود یک اثر، نادیده و نامشکوف می‌ماند یا حداقل، بااربعیتی آن در تعریف جهان‌بینی خالق اثر مورد توجه قرار نمی‌گیرد. در نقد مجموعه‌ای که این دو دفتر، دو نمونه قابل توجه از انواع آن است، معمولاً برجسته‌ترین یا متمایزترین آثار یک نویسنده مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. بنابراین، برای کشف مؤلفه‌های تکرار شونده و دل‌مشغولی‌های نویسنده، مجال بیشتری در اختیار منتقد قرار دارد و از این طریق می‌توان به نقله‌های وصل نویسنده و اثر نزدیک شد. در واقع، این نزدیکی و ارتباط از طریق پل واسطی به نام منتقد آسان‌تر خواهد بود. رسالت و وسایلی که نویسنده خادوگر

۱. خادوگر سرزمین سامبا (نقد و بررسی آثار پانولوکوتیلو)

نویسنده: شهبلا زرلکی
ناشر: انتشارات فرهنگ کاوش
تعداد صفحات: ۱۱۲ صفحه

۲. انسان‌گرایی نغم عیار (نقد و بررسی آثار ژوزه ساراماگو)

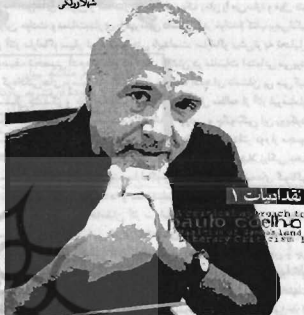
نویسنده: شهبلا زرلکی
ناشر: انتشارات فرهنگ کاوش
تعداد صفحات: ۱۴۴ صفحه

پس از یک دوران نسبتاً طولانی سکون و سکوت، به نظر می‌رسد که زورق ه گن نشسته نقد ادبی، بستر جاری و مواجی برای آفت و خیز و تحرک یافته است و بی‌حرف پیش می‌رود که چون روزگار پرهنر پویایی در دهخای چهل و پنجاه، جان تازه‌ای در جای جای ادبیات جاری سازد. این خوشدلی خوشبختانه بتدل بی‌بایه و بی‌مابه نیست. مرور زودگذر نشریات پرشمار ادبی و سرصفحه‌های ثبت‌شده نقد کتاب، در اغلب جزایر روزانه و هفتگی و هر اثر گاهنامه، بی‌سبب بسنه؛ حتی اگر مفوله معرفی و وصف کتاب با نقد کتاب خلط شده باشد به هر نال همه منتقدان جهان، کارشان را با نتیجه‌اندوژی آغاز کرده‌اند. اما رواج نقد ادبی در مطبوعات، تنها پس این خوشدلی نیست. فکر انتشار دفتر نقده از جدی و دهن و جدی گرفتن موضوع خبر می‌دهد و هنگامی که از پیوسته بودن و نادر

جادوگر سرزمین سامبا

بررسی نقد آثار پائولو کوئلیو

شیرازی



سرزمین سامبا و انسان‌گرایی تمام‌عیار بخوبی از عهده آن برآمده‌است و در دفتر اول از مجموعه نقد ادبیات، تصویر دقیق و نسبتاً کاملی از ویژگی‌های مورد توجه آثار پائولو کوئلیو در اختیار مخاطبان آثار او قرار می‌گیرد. در دفتر دوم نیز، برجسته‌ترین آثار روزه‌زومه ساراماگو از جنبه‌های مضمونی و ساختاری تحلیل می‌شود و رغبت هرگز نگاه جماعت کتابخوان به متوله نقد ادبی، البته لایزال گوناگونی دارد که کوتاه‌تر و هموارتر شدن مسیر انتقال به چشمایان‌تر از آن می‌توان یکی از این تکیه‌دها دانست، اما این اسباب اصلی رغبت به مطالعه نقد کتاب نیست. سبب مهم‌تری به نام مقایسه و سلیقه را نباید نادیده گذاشت. کشف منتقد زمانی جذاب با اهمیت و عالمانه تلقی خواهد شد که با دوری و درک مخاطب نقد - البته مخاطب عام - همخوانی و همراهی داشته باشد در واقع اغلب دوستداران و منتقدان نقد از آن روی خود را کنج‌چاکو و مشتاق مطالعه نقد و دریافت دوری منتقد نشان می‌دهند که تنها از این طریقی می‌تواند درجه ادراک هنری و حساسیت قریحه خود را اندازه بگیرند. زاغشایی منتقد و پرده برداشتن او از رمز و رازهای اثر وقتی جذاب است که با برداشتن‌های مخاطب نقد از پیام جوهری آن اثر هنری نزدیک و همسان باشد. منتقدان مطرح و مورد توجه آثار هنری، معمولاً بخشی از زاویه نگارش خود را با سلیقه و ادراک مخاطب عام

هماهنگ و منطبق می‌کنند. اعتماد به نفس حاصل از این همراهی و همزایی، دقت و توجه و حساسیت مخاطب را فروزی می‌بخشد و ...

به زبان ساده و روشن، هنر تنها آینه‌ای است که بخش نامرئی وجود انسان را بازنمای می‌دهد. نقد و منتقد فاصله کانونی و نقطه تمرکز در برابر این آینه را به مخاطب می‌نمایاند. انسان‌گرایی تمام‌عیار و جادوگر سرزمین سامبا کوششی است در مسیر تصحیح نقطه دید و تمرکز مخاطبان آثار ساراماگو و کوئلیو. نویسنده در دفتر اول، برای چرایی و چگونگی گزینش پائولو کوئلیو نیز پاسخی در استین دارد.

کوئلیو پرمخاطب‌ترین و یا دست کم یکی از پرمخاطب‌ترین نویسنده‌گان دهه اخیر در میان ایرانیان علاقه‌مند به کتاب است. چند و چون این اقبال و استقبال، بحث مفصل و موشکافانه‌ای می‌طلبد که باید از ابعاد گوناگون جامعه‌شناختی و فرهنگی و چه‌جا از منظر روان‌شناسی مطالعه، مورد بررسی قرار گیرد. باید دید چرا و چگونه مردمانی با یک پشتوانه غنی و پرباز از فرهنگ عرفانی و آن‌همه دستمایه و دستاورد، آنچه خود داشت را از بیگانه‌ای گریزناپذیر طلب می‌کنند؟

گرچه نویسنده جادوگر سرزمین سامبا پیش از پرداختن به نقد و بررسی تک تک اثر پائولو کوئلیو، تحلیل جامعه‌شناختی تقریباً مفصل و روشنگری از چرایی و چگونگی رونق عرفان کوئلیویی در ایران دارد با این‌همه، تجدید چاپ مکرر آثار این نویسنده و افزایش علاوین ترجمه‌شده و در دست ترجمه، بررسی جلگه‌های در قالب یک کتاب مستقل می‌طلبد در واقع، انتشار دفتر نقدی با عنوان «چرا کوئلیو؟! می‌تواند تصویر شفاف و روشنگری از وضعیت امروز کتاب و کتابخوانی و جایگاه نشر و ناشر ارائه کند. همان‌گونه که نویسنده در مقدمه مفصل کتاب آورده است، پائولو کوئلیو نیز در یکی دو اثر شاخص خود از جمله: «روونیکا نسیم می‌گیرد» «بمیرد» و «سطلان» و «دوشیره بربر» نویسنده متوسطی است که در حد یک بزرگ‌نام و نان بافته است، با این وجود به‌سادگی و بی‌اعتنایی نمی‌توان از کنار او عبور کرد؛ عبوری سوسنگین و دل‌چربین که در خور مورجان ابتنال و سادسندی در گستره ادب و ادبیات است، اما به‌راستی و از سر انصاف پائولو کوئلیو و طرد او به جزیره بازاری نویسان ابتنال‌گرا نیستند.

کوئلیو به حد حال حرفی برای گفتن ندارد؛ حرفی که اگر نگوییم و نقدی و گریزناپذیری به‌نظر برسد از جنبه‌های ساختاری و انتخاب قالب بیانی، بی‌انگیز تیزهوشی نویسنده است. پرشعاری مخاطبان کوئلیو اگر امتیاز مثبتی نباشد نقطه منفی و مضمونی مهم نیست. افزایش رغبت مطالعه و رونق بازار کتاب با آثار متوسط، کار کارستانی است که پائولو کوئلیو بخوبی از پس آن برآمده است. دریغ کردن این امتیاز مثبت، خیلی ناخن‌خسکی و خست می‌خواهد!

□□□

— و اما دفتر دوم که با عنوان ساراماگو: انسان‌گرایی تمام‌عیار به بازار کتاب

عرض شده است، آمیزه‌ای از نقد روان‌شناختی و تحلیل ساختاری است.

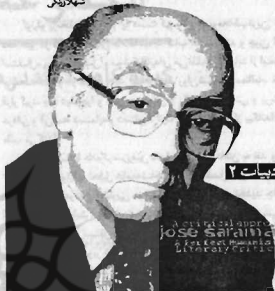
«روزه ساراماگو» نویسنده پرآوازه برتالی، همچون بسیاری دیگر از نام‌وران عرصه ادبیات، چنانچه گذشتن نام خود را مدیون جایزه ادبی نوبل است. ساراماگو نویسنده‌ای را با مقاله‌نویسی و ویراستاری آغاز کرد. در حالی که گمان می‌رفت

همزمان با مطرح شدن ژوزه ساراماگو در میان ادب‌دوستان ایرانی و ترجمه‌های بی‌دردی و متنوع آثار او، زمینه مناسبی برای بررسی عوامل و دلایل روبرکرد مخاطبان ایرانی به این نویسنده فراهم آمد. پژوهش‌گفت و شناخت این انگیزه‌ها، از آن روی قابل توجه و تأمل است که آثار ساراماگو از هرگونه کشش دراماتیک و جذابیت عامه‌پسند خالی است. در واقع همه آن عناصر جاذبه‌ساز که گره افکنی‌های معمول در ساختار درونمایه‌های یک رمان را می‌سازد و میل دنبال کردن حوادث و همذات‌پنداری با قهرمانان داستان را در خواننده کتاب برمی‌انگیزد، در آثار ساراماگو بسیار کم‌رنگ و حتی ناپیداست. ساراماگو پیش‌تر به تحلیل و توصیف شخصیتی آدم‌ها و جایگاه انسانی ایشان در مناسبات اجتماعی می‌پردازد و گره‌افکنی‌های مرسوم کار رمان را در سرشت آدم‌های داستان می‌می‌گیرد. استقبال چشمگیر و حتی فاغذگیرکننده ایرانیان اهل مطالعه از آثار غیرمتعارف ساراماگو، یک بررسی پرحوصله و آگاهانه از چرایی و چگونگی این روبرکرد و شناخت دلایل و انگیزه‌ها را ضروری جلوه می‌داد. بنابراین دفتر دوم از مجموعه نقد ادبیات به بررسی آثار ژوزه ساراماگو اختصاص دارد. شهلا زرلکی بخش عمده‌ای از آثار ترجمه‌شده ژوزه ساراماگو را در دفتر دوم از جنبه‌های گوناگون ادبی، روان‌شناسی شخصیت‌ها و نشانه‌شناسی اسطوره‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. بی‌گمان مخاطبان آثار ساراماگو با چون و چراهایی مواجه‌اند و *انسان‌گرایی تمام‌عیار* با پی‌گیری نشانه‌های آشنا و تکرار شونده محتوایی و بررسی ویژگی‌های نگارشی آثار ساراماگو، پاسخ‌های روشنی برای چون و چراها دارد. کار منتقد در درگیری اسطوره‌های درونمایه‌ای آثار ساراماگو، نقد روانکاوانه شخصیت‌ها و بررسی ساختاری و سبک نگارشی این نویسنده از حساسیت و دقت قابل توجهی برخوردار است و می‌تواند نمونه‌ای الگویی از نقد ادبی در این دیار باشد. ■

انسان‌گرایی تمام‌عیار

بررسی و نقد آثار ژوزه ساراماگو

شهلا زرلکی



نقد ادبیات ۲

مقاله نویسی و ویراستاری نقطه توقف و پایان راه او، در عرصه ادبیات باشد، ناگهان حرفه زد. اگرچه بسیار دیر؛ اما به هر روی وارد مرحله تازه و در عین حال تکاملی‌ترین مرحله حضور خود در گستره ادبیات شد. ساراماگو رمان‌نویسی را از دهه پنجم عمر خود آغاز کرد. برخلاف پندار مرسوم که دهه سوم عمر نویسندگان را نقطه شکوفایی و بروز استعداد و نوع می‌شمارد، ژوزه ساراماگو در سال‌های پختگی و در میانسالگی جوانه زد و در دهه هفتم حیات خود به اوج رسید.

کوری معروف‌ترین و در عین حال پرخواننده‌ترین رمان ساراماگو در ایران - و چه بسا در جهان - جایزه ادبی نوبل و به تبع آن «شهرتی عالمگیر را برایش به ارمغان آورد و آن‌گونه که معمول و مرسوم است، آثار پیش و بعد از کوری نیز از قفسه‌های غبارآلود فراموشی و بی‌اعتنایی رهایی یافت.

در واقع اگر کوری از چشم نوبل پنهان می‌ماند، جهان ادبیات فرصت کشف یکی از با استعدادترین و خوش‌قریحه‌ترین نویسندگان قرن بیستم را از دست می‌داد. به باور منتقدان و صاحب‌نظران مقوله ادبیات، برخی از آثار پیش و پس از کوری، آرزوی ادیبان افزون‌تری دارد و در تعریف جهان‌بینی و سبک‌نگارشی ساراماگو بسیار موفق‌تر عمل می‌کند. به عنوان مثال همه *نامه‌ها* و *سال مرگ* ریکاردوریش نشانه‌های برجسته‌تری از ویژگی‌های ارزشی کار ساراماگو را در